

## وب سایت استاد موسوی



تاریخ روز : ۱۳۹۸/ ۱۲/ ۲۹

تاریخ ثبت : ۲۱ خرداد ۱۳۹۵

عنوان : کلید راهیابی به حقیقت علم، اتصال به مقام ولایت

«بسمه تعالی»

کلید راهیابی به حقیقت علم، اتصال به مقام ولایت

در این گفتار به سرّ دانش در اسرار جهان می‌پردازیم و گوش جان را با ارمغانی از لؤلؤ و مرجان جهان علم رسمی و عرفانی پر می‌نماییم و خیزش نوک قلم را درباره دو پدیده معظم جهان بر سطح کاغذ به لرزه در می‌آوریم؛ بخش نخست مربوط به پدیدآورندگان دانش زمانند و بخش دیگر از آن پدیدآورندگان دانش جان واقعیات و حقائق‌اند.

در شرح بخش نخست، یعنی کسانی که دانش زمان را پدید آورده‌اند، باید بگوییم این افراد صرفاً برای شأن، عظمت و غایت فکری خود به دنبال علم بوده‌اند. به طور مثال نام اینشتین دانشمند شهیر آلمانی در تاریخ علم با «نظریه نسبیت» گره خورده است. اما این نظریه، هنگامی که به فیزیک هسته‌ای وارد شد، بیشترین کمک را به تحقق «شکافت هسته‌ای» انجام داد و دستیابی به بمب اتمی را ممکن ساخت که این مسئله موجب بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی در جنگ جهانی دوم شده و در نهایت موجب شد هزاران سر و تن در لحظه به هوا شدند و جان خود را از دست دادند یا اینکه هگل فیلسوف بزرگ آلمانی که در قرن نوزدهم میلادی می‌زیست با نظریه خود شک مهمی بر دل‌ها فرو ریخت و یا کانت دیگر فیلسوف آلمانی او نیز آنچه گفت درصدد بود ریشه بسیاری از حقائق را نادیده بگیرد و نیز فیلسوفان و دانشمندان دیگر که اثرات مشابهی در تاریخ از آن‌ها بروز کرده است...

در مقابل بودند و هستند فلاسفه و عرفایمانند سیدمهدی بحر العلوم، سیدمحمدباقر میرداماد، صدرالدین شیرازی، محمدبن یعقوب کلینی، شیخ مفید و شیخ مرتضی انصاری (اعلی‌...مقامهم) که از امیال و جاه طلبی‌ها رها شدند و در معضلات علمی خویش از آستان اکسیر علوم و غیب الغیوب حجت‌بن‌الحسن (عج) بهره‌ها گرفتند و بارقه‌ای از آن را به دیگران نیز ایثار می‌نمودند.

اکنون این سؤال مطرح است که آیا علم این دو گروه یکسان است؟ آیا بشریت پیش از سفر به وادی علم به این اندیشه کرده است که هر چقدر مظلوف (علم) عالی باشد، اما چون در ظرفی نجس یا کثیف (سینه صاحب علم) ریخته شود، آن مظلوف عفن نخواهد شد؟ آنچه را به جرئت فریاد می‌زنیم این است که آیا در پرتو علمی که اساس آن در تعیین و تشخیص صاحبش طی می‌شود، می‌تواند جرثومه‌های ناپاک و پریعب و خلل پاک شوند و اضطراب‌های جهل آرام گردند؟ به عبارت دیگر، آیا کاوش علوم می‌تواند در امیال شخصی صاحبان آن علم به پایان می‌رسد، می‌تواند جهان تاریک و ظلمانی را روشن نموده و وحشت جهل را به روشنایی رهنمون سازد یا باید بگوییم علمی که از جان حقائق و نیروهای سماوی، علوی و روحانی و الهی پدید آمده‌اند صرفاً می‌توانند به جهان روشنی بخشند؟

برخی معتقدند آنچنان جهان علم با سرعت در پیش است که نه خود علم نیاز به مبین و مفسری معصوم دارد و نه صاحبان علم. اما ما در پاسخ به آنان می‌گوییم که هرچه علم قوی‌تر شود، نیاز به وجود مفسری معصوم و وارسته برای نفس علم و صاحبان آن بیشتر خواهد شد.

در عصر حاضر که به اصطلاح عصر علم و دانش است، به وضوح می‌یابیم میل حیوانی، غضب، حس جاه طلبی، حس برتری طلبی، افزون طلبی و خودپرستی و ستمگری بشر بیداد می‌کند، آیا حقیقت علم در چنین ظرفی

آشکار خواهد شد؟ آیا علم امروز توانسته روح عدالت و تقوا و عفاف و راستی و درست‌ی را جایگزین زشتی‌ها نماید یا کاملاً برعکس غرائز بشری دیوانه‌تر از سابق گشته و فرشته علم در خدمت دیو شهوت قرار گرفته و بشر را به جای خضوع و عرفان و معرفت مغرورتر و درنده‌تر و افروخته‌تر به بار آورده است و بدین جهت علمی که باید همواره انیس درونی انسان باشد به چهره مخوف و به صورت بزرگ‌ترین دشمن انسان در آمده است. آنچه مسلم است علم محض نتوانسته ماهیت چنگیزها، نادرها و سزارها را بهسوی خیر دعوت کند بلکه تیغ یک ذرعی آن‌ها را به موشک‌ها و بمب اتم‌ها و هیدروژن‌ها تبدیل نموده است؛ آیا این علم نیاز به مبینی معصوم ندارد؟

در همین زمینه سنت توماس اکویناس (Aquinas. ST Thomas)، بزرگترین فیلسوف و متکلم دوره قرون وسطی، اظهار سرگردانی می‌کند و می‌گوید که علم کدام است؟ او می‌گوید هر علمی را که به من معرفی می‌کنند، پس از مدتی که به دنبال آن می‌روم، می‌یابم که حقیقتی از آن به دست نمی‌آورم. توماس علم را عبارت از قراردادهای طبیعی برگرفته از حواس جسمانی داند و معتقد است این علم به غایت محدود است؛ بنابراین اگر انسان بخواهد از سرگردانی‌ها و حیرانی‌های وحشت‌زای چهره‌های پرخطر آرام گردد، به جایی راه نمی‌یابد مگر اینکه از جهان و عین دیگر که همان طریق الهام و مکاشفه غیبی است مدد گیرد. ویلیام جیمز نیز گوید که دین همیشه نشانه‌هایی از چیزهایی داده است که علم و عقل بشر جز با امداد غیبی به آنجا راه نداشته است.<sup>1</sup>

آری، برای راهیابی به حقیقت علم، نیاز بشر برای اتصال به انوار ملکوتی امام معصوم و غیب الغیوب حق مولانا حجت بن الحسن (عج) به‌عنوان یک اصل است و اگر خواهان یافتن سرّ آن هستی باید کودک‌وار به زانوی تعلیم در برابر استادی حکیم بنشیند و به این حقیقت دست‌یابی که هر کس به وادی عرفان نفس رود هزار قدم کوشاگر به گرد یک قدم عارف و شاهد نرسد!

لذا مفتخریم که در همه جهان و جهانیان در حریم حرم استادی هستیم که چون خود را در برابر اشراق نگاهش عرضه می‌داریم تابش نور بر بلور آنچه در درون نهفته داریم منشور می‌شود و خطابش را شنواییم که «تا کی غرق در امیال خویش هستی و تا کی در خودمحموری و خودخواهی خویش به سر میبری» و هزار هزار نکته ناگفتنی دیگر که اگر طالب آن هستی باش تا آن را بیابی!

1. ویلیام جیمز می‌گوید: «دین همیشه نشانه‌هایی از چیزهایی داده است که عقل و علم بشر هرگز به آنجا راه نداشته است، اما همین نشانه‌ها سبب شده که عقل و علم به تحقیق پردازد و بالاخره به کشفیاتی نائل گردد.» (مجموعه آثار شهید مطهری، ج3، ص336).